

خاستگاه خود، نیشابور، از محضر استادی خون ابویکر طرازی (م. ۳۸۵ق.) و معافی بن زکریا (م. ۳۹۰ق.) بهره برد.^۱

وی سپس به مکه مهاجرت کرد و همانند جدش منصب قضاوت و امامت حرمین را بر عهده گرفت. در منابع به زمان مهاجرت وی و مدت اقامتش در مکه اشاره‌ای نشده است. احمد در این مدت کمک‌های مالی خود را از طریق بازرگانان به نیشابور می‌فرستاد. وی همچنین از دوستان و همشهریان خود که به حج مشرف می‌شدند، پذیرایی می‌کرد.

او پس از بازگشت به نیشابور، افزون بر قضاوت، تولیت وقف را نیز پذیرفت. وی به نشر دانش توجه ویژه داشت. از شاگردان او می‌توان حاکم حسکانی (م. ۴۹۰ق.) نویسنده شواهد التنزیل را نام برد که کتاب الفوائد او تقریر درس استادش است.^۲ وی در سال‌های پایان عمر در خانه خود به بیان و املای حدیث می‌پرداخت و بزرگانی بسیار در آن شرکت می‌کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به محمد پدر تقی الدین صیرفینی نویسنده کتاب *المتنبی من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور*

الملل والنحل: الشہرستانی (م. ۴۸۰ق.)، به کوشش سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ **المنتظم: ابن الجوزی** (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ **منهج السنة النبویه: ابن تیمیه** (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش محمد رشاد، قرطبه، ۱۴۰۶ق؛ **الموضوعات: ابن الجوزی** (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش عبدالرحمن مدینه، المکتبة السلفیه، ۱۳۸۶ق؛ **میزان الاعتدال فی نقد الرجال: الذہبی** (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ **الوافی بالوفیات: الصفدي** (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الازنوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۰ق؛ **وفیات الاعیان: ابن خلکان** (م. ۸۱۴ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

The Encyclopaedia of Islam, Brill Academic Publishers, 2003.

سید محسن کاظمی



احمد بن علی نیشابوری: قاضی و

امام حرمین

ابوالحسن احمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن حمّش از نوادگان قاضی الحرمین عزیز بن عزیز، در سال ۳۶۴ق. در خانواده‌ای دانشمند و توانگر دیده به جهان گشود.^۱ او در

۱. *المتنبی من کتاب السیاق*, ص ۱۰۱-۱۰۲؛ *تاریخ الاسلام*, ج ۳۰، ص ۱۲۲؛ *الوافی بالوفیات*, ج ۷، ص ۱۵۸.

۲. الانساب، ج ۴، ص ۵۵-۵۷.

۳. *کشف الطنون*, ج ۱، ص ۵۹۳؛ *التربیة*, ج ۹، ق اول، ص ۲۸۹.

۴. *المتنبی من کتاب السیاق*, ص ۱۰۲؛ *تاریخ الاسلام*, ج ۳۰، ص ۱۲۲.

۵. *المتنبی من کتاب السیاق*, ص ۱۰۱-۱۰۲؛ *تاریخ الاسلام*, ج ۳۰، ص ۱۲۲.

» منابع

شاره کرد.^۱ او به سال ۴۴۶ق. در ۸۲ سالگی در گذشت.^۲

خود به شمار می‌رفت.^۳ در منابع به سال تولد او تصریح نشده است. از آن‌جا که وی در ۲۱ محرم سال ۳۵۱ق.^۴ در نیشابور^۵ درگذشته و در این هنگام ۷۰ سال داشته است^۶، می‌توان تولد او را به سال ۲۸۱ق. دانست. وی فقه را نزد ابوحسین کرخی و ابوطاهر بن دباس^۷ و حدیث را در محضر ابوخلیفه فضل بن حباب و حسن بن سفیان فراگرفت.^۸ چندی در موصل و رمله عراق به قضایت پرداخت^۹ و ۱۰ سال در منصب قاضی الحرمین بود.^{۱۰} به اعتقاد قرشی، قاضی الحرمین لقبی است که به او داده شد و افزون بر وی، خاندانش نیز با این لقب شناخته می‌شدند.^{۱۱}

او پس از دوری ۴۰ ساله از نیشابور، در سال ۳۳۶ق. به زادگاه خویش بازگشت و به سال ۳۴۵ق. عهده دار قضایت این شهر شد.^{۱۲} علت

الاتساب: عبدالکریم السمعانی (۵۶۲م.ق.)، به کوشش عبدالله عمر، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاہیر: الذہبی (۷۴۸م.ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ الذرعة الى تصنیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (۱۳۸۹م.ق.)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق؛ کشف الظنون: حاجی خلیفه (۱۰۶۷م.ق.)، بیروت، داراحیاء التراث العربی؛ المنتخب من كتاب السیاق لتاریخ نیشابور: ابراهیم بن محمد الصیرفینی (۴۱۴م.ق.)، به کوشش خالد حیدر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق؛ السوافی بالوفیات: الصدفی (۷۶۴م.ق.)، به کوشش الانصوت و ترکی مصطفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید مجتبی حسینی



احمد بن محمد نیشابوری: قاضی

حرمین در سال‌های پس از ۳۲۶ق.

ابوحسین احمد بن محمد بن عبدالله نیشابوری از بزرگان مذهب حنفی در دوران

۱. المنتخب من كتاب السیاق، ص ۱۰۲.

۲. المنتخب من كتاب السیاق، ص ۱۰۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۰، ص ۳۲۲؛ السوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۱۵۸.

۳. الواقی بالوفیات، ج ۸، ص ۳۶۹؛ شذرات الذهب، ج ۴، ص ۲۶۹.

۴. العقد الشفیع، ج ۳، ص ۱۴۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵-۲۶.

۵. الجواهر المضیی، ج ۲، ص ۳۴۹؛ اخبار ابی حنیفه، ص ۱۷۱.

۶. شذرات الذهب، ج ۴، ص ۲۶۹.

۷. اخبار ابی حنیفه، ص ۱۷۱؛ الجواهر المضیی، ج ۲، ص ۳۴۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵-۲۶.

۸. العقد الشفیع، ج ۳، ص ۱۴۶؛ الواقی بالوفیات، ج ۸، ص ۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۶.

۹. العقد الشفیع، ج ۳، ص ۱۴۶؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۵۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۶.

۱۰. تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۵۰.

۱۱. الجواهر المضیی، ج ۲، ص ۳۸۲.

۱۲. العقد الشفیع، ج ۳، ص ۱۴۶.